**اسنادی از صنعت فرش ایران**

**نویسنده : حشمتی رضوی، فضل الله**

اسنادی از صنعت فرش ایران (1357 ـ 1292 ه . ش .). به کوشش علی‏اکبر علی‏اکبری بایگی. مرکز اسناد ریاست جمهوری. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. 2 جلد. تهران 1381. 972 صفحه.

بی‏گمان، شرط لازم برای کمک به پژوهشهای تحلیلی، دسترسی دانش‏پژوهان به منابع دست اول به‏ویژه اسناد تاریخی است. در سالهای اخیر، مرکز اسناد ریاست جمهوری با جدیت و کوششی ارجمند به تدوین و انتشار مجموعه اسناد برخی از فعالیتهای قرن اخیر از جمله: «نفت، دولت، مجلس، مطبوعات، احزاب سیاسی، رادیو، تجارت خارجی، تئاتر و سینما، جنبش دانشجویی، باستان‏شناسی، جهانگردی، بانک، اصناف، مجامع مذهبی و مدارس ایرانی» پرداخته که آخرین آن اسنادی از صنعت فرش ایران است. این اسناد در دو جلد کتاب به همین نام، مشتمل بر 164 سند در 972 صفحه، انتشار یافته است.

به استناد مقدمه کتاب، این اسناد فراهم آمده از وزارت دربار پهلوی اول و اداره کل حفاظت نخست‏وزیری قبل انقلاب است که در مجموع اسناد سالهای 1292 تا 1357 ه . ش را در زمینه هنر و صنعت فرش ایران شامل می‏شود. در شناسنامه کتاب نام مهندس میرحسین موسوی، احمد مسجد جامعی و دکتر هادی خانیکی به‏عنوان شورای نظارت و نام دکتر یعقوب آژند، دکتر سیدهاشم آقاجری، دکتر عطاءاللّه‏ حسنی، دکتر عبدالرسول خیراندیش و دکتر غلامحسین زرگری‏نژاد به عنوان شورای علمی آمده است.

کتاب به کوشش علی‏اکبر علی‏اکبری‏بایگی و با همت مرکز اسناد ریاست جمهوری تهیه و تنظیم گردیده و چاپ اول به‏وسیله سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاییز 1381 صورت گرفته است. آنچه در زیر می‏آید نگاهی است به بخشهایی از این مجموعه دو جلدی.

**کاهش صادرات و افت ارزش فرش ایران در مقدمه کتاب**

بازارهای جهانی، که کتاب با تأکید در مقدمه و و پشت جلد به آن اشاره می‏کند، سرآغازی است برای جلب توجه خواننده و ورود به متن کتاب. این ورود ناگهانی به نقصانها و کاهشها که از سطر اول مقدمه کتاب شروع می‏شود اسنادی را در پی دارد که کتاب در نظر داشته با تکیه بر آنها، عوامل و چگونگی کاهش رونق فرش ایران را در فاصله سالهای 1292 تا 1357 ه . ش (که دنباله آن به زمان حال کشیده شده است) تشریح کند. طبق آمارهای مرکز تجارت جهانی، هرچند سهم ایران از تجارت جهانی فرش از 41 درصد در سال 1976 م.، طی یک دوره 20 ساله، به 31 درصد در سال 1996 م. کاهش یافته بود، ولی باز ایران در میان کشورهای صادرکننده فرش در کلیه بازارهای دنیا بالاترین سهم از تجارت جهانی فرش را داشته است. ضمنا در بازار داخلی نیز در میان کلیه کالاهای غیرنفتی هنوز هم صادرات فرش بالاترین رقم صادرات کشور را تشکیل می‏دهد. گفتنی است که در تاریخ قالی‏بافی ایران پررونق‏ترین دوران صادرات فرش (از ابتدا تا زمان حال) سال 1373 بوده است.

بنابراین آمار، به نظر می‏رسد برای چنین مجموعه‏ای تنظیم یک گزارش تحلیلی از فراز و فرود صنعت فرش در دوره‏ای که اسناد آن ارائه می‏شود ضروری باشد. در غیر این صورت، به‏ویژه اگر مقدمه با مستندات آماری و استدلال منطقی همراه نباشد، کل مجموعه به‏حد یک کار ژورنالیستی تنزل می‏یابد.

**روش و تجربه عمومی در مورد هر مجموعه، طبقه‏بندی اسناد**

اعم از سند، تمبر، سکه، فرش، جواهر و... این است که این مجموعه‏ها بر مبنای موضوع و مضمون آن دسته‏بندی شوند.

در هر نوع نظام دسته‏بندی و طبقه‏بندی، تشخیص و تبیین هدف از واجبات است، زیرا مراد و مقصود از طبقه‏بندی، دسترسی سریع به اطلاعات و معلوماتی است که باید ما را به سوی هدف راهنمایی کند تا مطالعات و تحقیقات بعدی منظم و آسان شود. برای این منظور مبنای طبقه‏بندی باید آن‏چنان انتخاب گردد که نتیجه آن حصول هدفهای موردنظر را تأمین کند.

در مجموعه مورد بحث ما هیچ‏گونه دسته‏بندی به عمل نیامده است و کلیه اسناد پس از ذکر مقدمه و فهرست، یکجا در دو جلد کتاب درج شده‏اند. واضح است که این روش، کار خواننده را مشکل می‏کند. به نظر نگارنده ضروری بود کلیه اسناد، به لحاظ ماهیت حقوقی هر سند، زیر عناوین کلّی تقسیم‏بندی می‏شد و هر عنوان کلّی فصل تازه‏ای از کتاب را تشکیل می‏داد.

**در متن برخی از سندهای مندرج در کتاب تصحیح اسناد**

اشتباهات تصحیح‏شده و اصل کلمه در پاورقی صفحه آورده شده است. به نظر می‏رسد عکس این روش، یعنی دست نبردن در سند و ذکر توضیح در پاورقی، مناسب باشد.

درج واژگان و اصطلاحات فنی در هر مجموعه‏ای، واژگان و

به شرطی که روشهای واژه‏گزینی و ضوابط اصطلاحات

فرهنگ‏نویسی در آن رعایت شده باشد، از واجبات است. روش درست تنظیم واژه‏نامه مستلزم آن است که تعریف هر واژه به کوتاه‏ترین صورت معنی دقیق آن را نشان دهد، در غیر این‏صورت مجموعه گرد آمده به انبوهی از اطلاعات پراکنده و بعضا ناقص و مبهم تبدیل می‏شود که گمراه‏کننده خواهد بود.

در مجموعه حاضر، اولاً واژگان و اصطلاحات اصلی، کلیدی و اساسی بدرستی انتخاب نشده است. مثلاً بجای اینکه اصطلاح «ضدبید کردن قالی» گزینش و تعریف شود، «ضدعفونی کردن قالی» (صفحه 853) آمده است. بدیهی است هر چیزی ممکن است در طبیعت ضدعفونی بشود ولی آنچه در قالی‏بافی مصطلح و مرسوم و معمول است «ضد بید کردن قالی» است.

ثانیا، تعاریف جامع و مانع نیست و از نظر دانش فرش‏شناسی بر تمامی معنی دلالت ندارد. با دو مثال مطلب روشن می‏شود. بقیه موارد از همین دست است و بر همین قیاس:

در تعریف «نقشه محرابی» (صفحه 855) آمده است «نوعی نقش فرش که سر و ته قالی را مشخص می‏نماید و در بالای آن کتیبه بافته می‏شود». مطابق این تعریف معماگونه، هزاران نقش و نگاره را می‏توان برای فرش تصور کرد که سر و ته قالی را مشخص نماید و در بالای آن هم کتیبه وجود داشته باشد. با این تعریف همه چیز به ذهن انسان خطور می‏کند جز نقش محراب. به هر حال، نقشه محرابی در قالی طرح و نقشی است که نگاره اصلی آن طاق محراب مسجد است و به‏نسبت سبکهای متفاوت، جابه‏جا نگاره‏هایی همچون سرو، سرستون، قندیل، گلدان، درخت و گل و گیاه، همراه با کتیبه‏هایی از خطوط کوفی، نسخ، تعلیق و ثلث بافته می‏شود.

ضمنا برای تشخیص سر و ته قالی ضابطه این است که «ته فرش آنجایی است که بافتن شروع می‏شود و سر فرش آنجایی است که بافتن پایان می‏پذیرد».

در تعریف «مُقاط» (صفحه 854) آمده است: «آن مقدار از گره یا رج که کارگر قالی در واحد زمانی معینی می‏بافد». در حالی‏که مقاط ارتباطی به واحد زمان معین ندارد بلکه «واحد اندازه‏گیری است معادل 12000 گره که ویژه کانونهای بافندگی خراسان است و معیاری برای ارزیابی قالی به شمار می‏آید». بنابراین، در تعریف این واژه چنانچه به مشخصه‏های: الف) واحد اندازه‏گیری، ب) معادل 12000 گره، پ) ویژه کانونهای بافندگی خراسان، و ت) ارزیابی قالی، اشاره نشود چیزی از تعریف این واژه بیان نکرده‏ایم. البته اگر بخواهیم مثل دایرة‏المعارفهای فنی و تخصصی کار کنیم و مقاط را بهتر بشناسانیم تعریف را به صورت «موسّع» ادامه می‏دهیم و در دنباله آن خواهیم گفت: «برای تشخیص مقاط همه گرههای یک ردیف طولی و یک ردیف عرضی قالی را می‏شمارند و آن را در هم ضرب می‏کنند. حاصل‏ضرب، مجموع گرههایی است که در بافت قالی موردنظر بسته شده است. آن‏گاه این مجموع گرهها را بر رقم 12000 (معادل یک مقاط) تقسیم می‏کنند تا شمار مقاط موجود در قالی به دست آید». باقی می‏ماند بحث آوانگاری و تلفظ هر واژه، مثل همین واژه «مقاط» که ذکر شد. واژه مذکور هم با تلفظ «مُقاط» بر وزن «نُقاط» هم با تلفظ «مَقاط» بر وزن «نَبات» هم با رسم‏الخط «ط» و هم با «ت» در خراسان به کار می‏رود. به هر حال بحث آوانگاری واژگان را که در کتاب به سکوت برگزار شده است نمی‏توان بی‏اهمیت تلقی کرد.

**عکسها و تصویرهای کتاب که بخشی از آن عکس و تصویر**

مربوط به نقشه‏های فرش است بسیار اتفاقی و پراکنده انتخاب شده است. برای مثال، در حالی که از گروه نقوش شاه‏عباسی چندین طرح درج شده است از گروههای دیگر، مانند مُحرمات، شکارگاه، گل فرنگ، ماهی درهم و... نمونه‏ای در میان نیست. کار دسته‏بندی و گزینش تصاویر زحمتی برای مرکز اسناد در بر نداشت؛ کافی بود از همان کتابی که نقوش فرش از آن برگرفته شده است (شاهکارهای فرش ایران، 1352، شرکت فرش ایران) طبق طبقه‏بندی نوزده‏گانه‏ای که در مقدمه کتاب مذکور آمده است به درج هر تصویر فقط در سرگروهها پرداخته می‏شد و زیر هر تصویر از ذکر منبع غفلت نمی‏گردید.

وضع عکسهای دیگر کتاب که راجع به دار و نحوه گره‏زنی در قالی‏بافی است به همین نحو است. حتی عکس صفحه 928 کتاب به لحاظ نمایش محیط نامناسب و غیربهداشتی کارگاهِ عکسبرداری شده، از نظر قانون کار و آئین‏نامه‏های مربوط، سخت دچار اشکال است مگر اینکه زیر عکس توضیح لازم درباره زمان و مکان عکس مذکور داده شود.

ترجمه واژه «فرش ایران» در پشت جلد کتاب ترجمه

به صورت «Irans Carpet» آمده، که نادرست عنوان کتاب

و غیرمصطلح است. حق بود با توجه به اینکه «Carpet Persian» در خارج از ایران جا افتاده است از این واژه استفاده می‏شد. شرکت فرش هم به موجب اسنادی که در همین کتاب آمده است (مثلاً سند شماره 115، ص 459) قبلاً در سربرگهای خود از واژه Iranian Carpet Co. LTD استفاده می‏کرد ولی بعد تغییر داد.

اسنادی از صنعت فرش ایران نمایانگر روند حاصل کلام

فعالیتهای این صنعت در نیمه اول قرن حاضر است. کتاب، ناظر بر اقداماتی است در باب شکل‏گیری و تحول اداره این صنعت جهت پی‏افکنی تشکیلات لازم و رفع کاستیها از مجتمع هنر و صنعت فرش ایران. این کتاب نه‏تنها از نظر تاریخ صنعت فرش مهم است، بلکه آیینه‏ای است از بطن یکی از دستگاههای اداری و چرخه نامتعادل آن. بجاست بقیه اسناد مربوط به این صنعت هم از سایر سازمانها، اعم از بخش دولتی (مانند شرکت سهامی فرش ایران) و بخش خصوصی (مانند، اتاقهای بازرگانی و اتحادیه‏های تولید و صادرات فرش) جمع‏آوری و با هماهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران انتشار یابد.